

# پیام شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به کنگره حزب مردم بلوچستان



تماس با ما ..... : [jomhour民主ocrat.laicc@gmail.com](mailto:jomhour民主ocrat.laicc@gmail.com)

تارنمای ندای آزادی. □ : [/http://nedayeazady.org](http://nedayeazady.org)

تماس با ندای آزادی. : [jjdli.nedayeazadi@gmail.com](mailto:jjdli.nedayeazadi@gmail.com)

=====

**هم میهنان!**

شادباش های صمیمانه ما را به مناسبت برگذاری کنگره حزب مردم بلوچستان که نمادی از اراده راسخ و خستگی ناپذیر زنان و مردان حزب در راه ادامه مبارزه به شکلی منسجم تر و گسترده تر برای کسب حقوق دموکراتیک پایمال شده مردم بلوچستان می باشد، بپذیرید.

**دوستان!**

همانگونه که شاهدید، تاخت و تازهای قدرت های جهانی در گوشه و کنار جهان بر سر نفوذ و سلطه بیشتر، کماکان ادامه دارد. در منطقه خاورمیانه، این کشاکش ها با ماهیتی خشونتبارتر و ویرانگرتر در

اشکال جنگ های منظم و نا منظم خود را نمایان کرده اند. پیامد و آثار این سیاست های رقابتی و سلطه جویانه قدرت های جهانی ( آمریکا، روسیه، چین و اروپا... ) به کمک متحدان منطقه ای ( اسرائیل، عربستان سعودی، ایران، ترکیه و... ) تاکنون ارمغانی به جز جنگ و خونریزی، بی خانمانی و آوارگی، فقر، ترور و خفقان، تخاصمات فرقه ای قومی و فروپاشی شیرازه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای میلیون ها انسان ساکن در کشورهای این منطقه (افغانستان، عراق، سوریه و یمن...) نداشته است.

مردمان ایران نیز از پیامدها و آثار زیانبار این سیاست ها بی نصیب و مصون نمانده اند. بازگشت تحریم ها و تشدیدشان پس از خروج آمریکا از "برجام" که در واکنش به سیاست های برتری جویانه و نفوذ طلبانه جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و به قصد مهار رژیم جمهوری اسلامی ایران در چارچوب منافع آمریکا و متحدانش در منطقه در دست اجراست، تاثیرات فلج کننده ای را تا حد فروپاشی بر اقتصاد کشور وارد آورده است. علاوه بر این، عمیق تر شدن بحران های حاصل از سه دهه تعدیل اقتصادی به قیمت فربهی هر چه بیشتر تعداد ناچیز ثروتمندان به موازات فقر و مسکنت بی سابقه انبوه بی شمار مزدکاران و حقوق بگیران تمام شده و افشار و طبقات گسترده مردمی را زیر فشارهای کمرشکن تامین زندگی بخور و نمیر قرار داده است. ورشکستگی واحدهای تولیدی و تعطیل مراکز صنعتی همراه با فروپاشی شبکه های تولیدی - توزیعی وابسته به این مراکز، بیکاری فزاینده ای را به بار آورده و با رشد تورم نجومی همپا با سقوط ریال به توسعه فقر، ابعاد غیر قابل تصویری داده است. در چنین شرایطی تحت حاکمیت رژیم تبعیض گرا، خودکامه و تمامیت خواه دینی و زیر سایه سیاست های ناکارا و نابخردانه دولت های فاسد نظام جمهوری اسلامی، چه در عرصه داخلی و چه در سطح خارجی، افشار و طبقات گسترده ای با وضعیت فلاکت بار و تهدید آمیزی دست بگریبانند.

## همراهان!

گرچه فقر و مسکنت در ایران پس از چهل سال سلطه نظام جمهوری اسلامی امروز به پدیده ای عمومی و سراسری تبدیل شده، اما وسعت و عمق این پدیده در مناطق مرزی و مسکونی اقوام ایرانی، گویای فقر فلاکت بار و محرومیت فاجعه بار در سطح دیگری است. با اینکه دامنه فقر و مسکنت در مناطقی مانند کردستان، کهگیلویه، بویراحمدی، لرستان، خراسان و خوزستان هم بی داد می کند با این وجود به گواهی آمار و ارقام و همچنین گزارش های رسمی و غیر رسمی باید اذعان کرد که

مردم بلوچ در سایه تضعیقات و تبعیض های دولت مرکزی محرومترین ملیت ساکن سرزمین ایران اند. نابسامانی های این خطه تا به حدی است که حتا نماینده زاهدان هم در مجلس شورای اسلامی مجبور به اعتراف است که 75% مردم سیستان و بلوچستان زیر خط فقر زندگی می کنند و 95% ساکنین این منطقه به غذا و امکانات تغذیه ای مناسب دسترسی ندارند. دامنه بحران های این بخش از کشور آن چنان گسترده و عمیق است که حتی نهادهای حمایتی هم قادر به کمترین پاسخی به ابتدائی ترین نیازهای مردم بلوچستان نیستند. فقدان برنامه ها و اقدامات لازم به منظور توسعه پایدار در سطح محلی و منطقه ای به موازات بی اعتنائی ارگان ها و نهاد های حکومتی نسبت به مشکلات و مسائل مردمان این نواحی وضعیت نابرابر و نابسامانی را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق توسعه ای ناموزون در هیئت فقری گسترده و محرومیتی مزمن و ساختاری به زندگی مردم بلوچ تحمیل کرده است .

رهائی از این ستم ها در گرو مشارکت مستقیم، آزادانه و دموکراتیک مردمان ایران در سرنوشت خویش است که تنها با استقرار جمهوری، دموکراسی، جدائی دولت و دین در ساختاری غیر متمرکز/ فدرالی بر مبنای برابر حقوقی شهروندی قابل دسترسی است. برقراری چنین مناسباتی پیش از هر چیز با همکاری و همگامی نیروهای جمهوری خواه دموکرات در راستای براندازی رژیم و تحقق همگرایی و همزیستی دموکراتیک، آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردمان متنوع سرزمین مشترکمان، به کمک ایجاد پیوندهای عمیق و ناگسستنی جنبش های اجتماعی، سیاسی و مدنی در ایران میسر است. جنبش های به حق تبعیض ستیز و دموکراتیک اقوام و ملیت های گوناگون ایرانی در شرایط حساس کنونی بیش از هر زمان نیازمند حمایت و همیاری نیروهای سیاسی و جنبش های اجتماعی و مدنی سراسری در ایران اند. ما در جهت تحقق این چشم انداز، دست همکاری با شما را می فشاریم و امیدواریم که کنگره حزب مردم بلوچستان با تکیه بر ارزیابی های دقیق و روشن از وضعیت پیچیده و حساس منطقه و کشور، موفق به اتخاذ تصمیم های کارساز، لازم و ضروری جهت پیشبرد مبارزات به حق مردم بلوچستان از طریق همبستگی و همسوئی با مبارزات دموکراسی خواهانه، آزادی جویانه، عدالت طلبانه مردمان ایران دست یابد.

**شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران**

۴ سپتامبر ۲۰۱۹ برابر با ۱۳ شهریور ۱۳۹۸

# پیام به «همبستگی جمهوری خواهان ایران»



تماس با ما ..... : [jomhuri.democrat.laic@gmail.com](mailto:jomhuri.democrat.laic@gmail.com)

تارنمای ندای آزادی. [] : [/http://nedayezady.org](http://nedayezady.org)

تماس با ندای آزادی. : [jjdli.nedayezadi@gmail.com](mailto:jjdli.nedayezadi@gmail.com)

=====

پیام به پنجمین همایش سالانه سازمان همبستگی جمهوری خواهان ایران

دوستان گرامی!

درودهای گرم و صمیمانه‌ی ما را به پنجمین همایش سالانه‌ی خود پذیرید.

همایش شما در زمانی برگزار می‌شود که ایران و خاورمیانه در وضعیتی بحرانی، حساس و پرخطر قرار دارند. در چنین شرایطی، شما، با قرار دادن موضوع "....." در سرلوحه‌ی گفتگوهای تان، به راستی انگشت روی امر سیاسی مبرمی گذاشته‌اید. ما امیدواریم که در راه فراهم نمودن زمینه‌های همکاری و هم‌سویی هر چه بهتر و گسترده‌تر جمهوری خواهان دموکرات ایران، نشست شما موفق به گرفتن تصمیم‌هایی کارساز گردد.

می‌دانیم که خاورمیانه امروز تبدیل به میدان اصلی سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و همچنین فرقه‌های ارتجاعی بنیادگرای اسلامی شده است. از یکسوی، قدرت‌های جهانی چون ایالات متحده آمریکا و رقیب‌هایش چون روسیه، اتحادیه اروپا و چین دخالت‌گری، اعمال نفوذ و سلطه می‌کنند و از دیگرسوی، برای استقرار هژمونی خود بر خاورمیانه، قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران، عربستان سعودی، اسرائیل، ترکیه و غیره، دست به رقابت و ستیز با هم می‌زنند. سرانجام، در همین منطقه، ما با حضور و عملیات گروه‌های بنیادگرای اسلامی رو به رو هستیم که همچنان فعال می‌باشند. اینان همگی، در کشمکش و یا تبانی با هم، در مقابل جنبش‌های رهایی‌خواهانه مردم خاورمیانه قرار گرفته‌اند. مردمانی که خواهان آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و تعیین سرنوشت خود به دست خود می‌باشند.

از سوی دیگر، امروزه ما در کشورمان، با سیاست‌های بی‌نهایت شوم و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی ایران، با پیشینگیِ چهل ساله، مواجه هستیم. با رژیم سر و کار داریم که یک دیکتاتوری تئوکراتیک تمام عیار در داخل و یک قدرت هژمونی‌طلب در خارج است. با رژیم فاسد، بی‌کفایت و مستبد که در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌بومی... کشور ما را به سوی فقر و قهقرا و چه بسا جنگی ویران‌گر سوق می‌دهد.

در چنین وضعیت نابسامانی، که ناشی از بحران‌های ساختاری چندگانه است، با تشدید فشارهای اقتصادی و اجتماعی، که از جمله، اما نه به طور عمده، ناشی از تحریم‌هاست، که مسبب اصلی این تحریم‌ها نیز خود رژیم جمهوری ایران با برنامه‌های اتمی و هژمونی‌طلبانه‌اش است، زمینه‌های مناسبی در ایران برای رشد و توسعه مبارزات ضدسیستمی در راه دگرگونی‌های بنیادین فراهم شده‌اند. ما امروزه با اوضاع سیاسی و اجتماعی نوینی رو به رو هستیم و آن، در یک کلام، این است که اقشاری بیش از پیش گسترده از مردم - از زنان، زحمتکشان و معلمان تا جامعه مدنی، دانشجویان، روشنفکران و جنبش‌های دموکراتیک و برابری‌خواهانه‌ی اقوام در مناطق مختلف کشور - خواهان برجیده شدن نظام جمهوری اسلامی در تمامیت‌اش می‌شوند و نسبت به امکان اصلاح‌پذیری نظام کمتر توهمی به خود راه می‌دهند.

اما براندازی رژیم و ایجاد تغییرات رادیکال و بنیادین اجتماعی و سیاسی در ایران مشروط به هم‌بستگی، هم‌سوئی و تشکل جنبش‌های اجتماعی در راستای آزادی، جمهوری، دموکراسی، جدایی کامل دولت و دین و عدالت اجتماعی است. و خوب می‌دانیم که این شرط لازم و ضروری در

فرایند جنبش‌های اجتماعی در ایران هنوز شکل نگرفته است. در این رابطه اما، نیروهای اپوزیسیون مترقی، از جمله در خارج از کشور، یعنی جمهوری‌خواهان دموکرات، می‌توانند از راه همکاری و هم‌کوشی میان خود بر مبنای حداقل چشم‌انداز برای تغییرات در پهنه‌ی اجتماعی و سیاسی کشور، در پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی داخل کشور و کمک فکری و نظری و انتقال تجربیات خود به این جنبش‌ها، نقشی معین و مفید ایفا نمایند.

با این حال، شوربختانه امروزه مشاهده می‌کنیم که اپوزیسیون مترقی و جمهوری‌خواه ایران، با وجود برخورداری از نفوذی معین در میان گروه‌ها و اقشار پیشرو جامعه و برخورداری از توان‌هایی فکری و تجربی، هنوز با پراکندگی شدید و شکننده رو به روست و فاقد هم‌سوئی و هماهنگی لازم برای یاری رساندن به روند جنبش‌های اجتماعی در داخل کشور است. برای رفع این کمبود و همچنین به منظور تحقق هم‌گرایی به عنوان نیازی مبرم، جمهوری‌خواهان دموکرات طرفدار جدایی دولت و دین و جریان‌های گوناگون این طیف گسترده، می‌باید گام‌هایی جدی در راه همکاری‌های ضروری میان خود بردارند.

ما بر این باوریم که از یکسوی، با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و بازشناختن اشتراک‌ها و اختلاف‌ها با هدف فراهم نمودن زمینه‌های همکاری، همان‌گونه که چندی پیش با برخی از دوستان "همبستگی جمهوری‌خواهان ایران" انجام دادیم، گفتگو‌هایی داشتیم که امیدواریم ادامه پیدا کنند، و از سوی دیگر با دست زدن به اقدام‌هایی مشترک که می‌توانند بر پایه‌ی اصول و مبانی نام‌برده در بالا انجام پذیرند، بستری گسترده‌تر و فعال‌تر برای پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران به وجود آید. در شرایط کنونی، در روند چنین همکاری‌های مشترکی است که اپوزیسیون مترقی و جمهوری‌خواه می‌تواند نقشی تأثیرگذار و مفید در پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی در ایران، در پشتیبانی از مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و جامعه‌ی مدنی، و همچنین در پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی در میان اقوام مختلف ساکن کشورمان، در راه کسب آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی مردمان مختلف ایران، ایفا کند.

دوستان گرامی!

جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران، از ابتدای تشکیل در سال 2004 تا کنون، و امروزه بیش از هر زمانی دیگر، بر این امر مهم

تاکید ورزیده و می‌ورزد که پیش‌برُدِ مبارزه‌ای کارآمد علیه جمهوری اسلامی نیاز به همکاری و هم‌کوشیِ همه‌ی نیروهای جمهوری‌خواه، دموکرات و لائیک دارد. ما بر این باوریم که جنبش‌های اجتماعی در ایران تنها در همراهی، اتحاد و همبستگی باهم، تنها با اتکا نه نیروی خود و با در دست گرفتن سرنوشت خود به دست خود و برای خود، در استقلال، خودمختاری و مخالفت با دخالت‌گری قدرت‌های سلطه‌طلب، قادر خواهند شد بر مانع اصلیِ هر گونه تحول و تغییر در ایران که همانا، در مرتبه‌ی نخست، موجودیت خودِ نظام جمهوری اسلامی است چیره شوند و با سرنگونی این رژیم دین‌سالار، شرایطی مساعد برای جمهوری‌یتی نوین، لائیک و غیر متمرکز بر اساس آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در ایران فراهم آورند. در پشتیبانی از این جنبش‌های داخل کشور، اپوزیسیون جمهوری‌خواه، مترقی و رادیکال در خارج از کشور می‌تواند و باید دست به همکاری و هم‌گرایی گسترده میان خود زند.

ما امروز برای شما، به مناسبت پنجمین همایش سالانه‌ی‌تان، بهترین آرزوهای کامیابی را داریم.

ما، در راه برچیدن نظام جمهوری اسلامی ایران با سمت‌گیری بر مبنای جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین و حقوق بشر، دست شما را برای هر گونه همکاری‌هایی مشترک می‌فشاریم.

**شورای هماهنگی جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران**

**10 شهریور 1398 - اول سپتامبر 2019**

---

# اطلاعیه جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

13 مرداد 1398 - 4 اوت 2019

در ژوئیه ۲۰۱۹ (تیر ماه ۱۳۹۸)، برخی رسانه‌های خارجی به زبان فارسی اخباری درباره ملاقات بین چهار سازمان کردستان ایران با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ایران منتشر کردند.



با توجه به نکات پر اهمیت سیاسی چه در مورد فوق و چه برخی موضوعات سیاسی دیگر، ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم که مواضع اصولی و دیدگاه‌هایمان را به مثابه بخشی از اپوزیسیون مترقی ایران در خارج از کشور اعلام داریم:

۱- ما هر گونه مذاکره با رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی ایران، به هر شکل، ترتیب و توجیه، چه مخفی و چه علنی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، از سوی هر سازمان یا حزب اپوزیسیونی را شدیداً محکوم می‌کنیم. همواره این گونه مذاکرات به نفع ادامه‌ی حیات دیکتاتوری‌ها و به زیان جنبش عمومی و سراسری و متحد مردم برای رهایی خود تمام شده و می‌شوند. هر گونه رفتار مماشات‌طلبانه با رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دوباره به توهم اصلاح‌پذیری نظام و امکان مبارزه‌ی اصلاح‌طلبانه در چهارچوب این سیستم، که با امواج جنبش‌های اعتراضی مردم بی‌اعتبار شده‌اند، دامن بزند.

۲- ما مخالف هر گونه دخالت قدرت‌های بزرگ در امور ایران هستیم. ما سیاست‌های دخالت‌گرانه و برتری‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، سیاست‌های سلطه جویانه و سیادت طلبانه‌ی آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی (روسیه، چین و اتحادیه اروپا) و هم چنین قدرت‌های منطقه‌ای (عربستان سعودی، اسرائیل...) را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما مخالف جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی و آمریکا و دیگر

قدرت‌ها در منطقه هستیم. ما معتقدیم که سرنوشت مردم خاورمیانه از جمله مردم ایران باید تنها و تنها به دست خود آنان، بدون دخالت‌ها و آلترناتیو سازی‌های قدرت‌های جهانی، تعیین شود.

۳- ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط خودِ مردمان ایران از راه جنبش‌های اجتماعی، مدنی، انجمنی و احزاب آن‌ها هستیم. ما از هیچ کوششی برای پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی مردم در داخل کشور، مانند جنبش‌های زنان، دانشجویان، کارگران و اقوام تحت ستم و تبعیض، در راه رسیدن به آزادی، جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین (لائسیته)، عدالت اجتماعی و دولتی غیر متمرکز دریغ نخواهیم کرد.

## جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

13 مرداد 1398 - 4 اوت 2019

---

# بیانیه‌ی سیاسی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 ژوئیه ۲۰۱۹ - 17 تیر 1398

### ایران در سراسیمه‌ی ورشکستگی اقتصادی

تداوم سیاست‌های مخرب جمهوری اسلامی فشار را بر گرده اقتصاد و زندگی بخش بزرگی از مردم در چهل سال گذشته وارد آورده است. در مجموع این سیاست‌ها به صورت فراگیر اقتصاد را به شکل‌های مختلف زیر فشار قرار داده‌اند تا راه برای انباشت و سود قدرت‌های اقتصادی حاکم و اقلیتی بسیار ثروتمند باز شود. در نتیجه درآمد و توان پس انداز خانوارها که شاخص زندگی و رفاه بشمار می‌آید به شدت کاهش پیدا کرده است. رکود اقتصادی در ایران، بیداد می‌کند. این

رکود به معنای سقوط سطح تولید صنایع، افت محصولات کشاورزی، ورشکستگی بانک‌ها، بیکاری گسترده، بی‌اعتمادی به بازار و آینده‌ی سرمایه‌گذاری است. افت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، فساد اداری بصورت رانت خواری نورچشمی‌های نظام اسلامی، سوء‌مدیریت بنگاه‌های خصوصی، کاهش چشم‌گیر تولید ناخالص داخلی، سقوط توان تولیدی را دامن زده و به بیکاری و از بین رفتن امکانات معیشتی منتهی شده است.

## رشد فقر و نابسامانی‌های اجتماعی

امروزه قیمت کالاهای مورد احتیاج مردم بخاطر بی‌ارزش شدن ریال و تورم و وابستگی اقلام معیشتی مردم به واردات و صادرات آن چندین برابر شده است. نظام اسلامی برای رفع این معضل، دلارهای نفتی را به قیمت پایین در اختیار خودی‌ها قرار داد و آن‌ها ارز حاصله از فروش را به جیب زده و مشکلات را بیش‌تر کردند. افزایش هزینه مسکن و کاهش سطح واقعی دستمزدها و نیز بیکاری و ناکافی بودن درآمدهای کارهای موقت و کشاورزی در سال گذشته موجب کوچ خانوارهای کارگری و کم‌درآمد به مناطق حاشیه‌نشین شد است. علاوه بر این ناچیز بودن برنامه‌های عمرانی روستاها و شهرهای مناطق محروم و مرزی کشور و تشدید بحران محیط زیست، بانی مهاجرت میلیونی ساکنین این مناطق به کلان‌شهرها شده و حاشیه‌نشینی را به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش داده است. تنها در سال گذشته به جمعیت حاشیه‌نشینان بیش از یک میلیون تن اضافه شده و تعدادشان از ۱۹ میلیون نفر گذشته است. به گفته کارشناسان اقتصادی ایران خط فقر مطلق برای یک خانوار ۴ نفره شهری در کشور حداقل ۴ میلیون تومان در اوایل سال گذشته اعلام شده بود. بر این اساس بیش از ۳۳٪ مردم ایران یعنی در حدود ۲۸ میلیون نفر دست به گریبان فقر و بخاطر رشد منفی اقتصادی و نبود کار ناتوان از بیرون آمدن از زیر خط فقر هستند. به این وضعیت فلاکت بار باید پیامد‌های فاجعه بار زلزله دو سال گذشته و سیلاب‌های بهار امسال را در بسیاری از استان‌های کشور اضافه کرد که به علت اجرای سیاست‌های غلط توسعه عمرانی ناپایدار و بدون رعایت معیارهای استاندارد محیط زیستی موجب ویرانی بی‌حد زیرساخت‌های شهرها و روستاها شد و دار و ندار هزاران خانوار تهیدست و زحمتکش را که در طول عمر خود با زحمت زیاد اندوخته بودند، به آب داد. اعتراض‌های به حق مردم سیل زده به سوءمدیریت و ناکارائی مدیریت بحران در تامین سرپناه، غذا، پوشاک و بهداشت و ایدئولوژیک برخورد کردن به

کمک‌های انسان‌دوستانه خارجی و رد پذیرش آن‌ها با یورش نیروهای سرکوب روبه‌رو شد. تلاش‌ها و همیاری و امداد رسانی مستقل مردمی و نهادهای غیردولتی با برقراری فضای امنیتی مورد پیگرد و دستگیری نیروهای ضربتی رژیم قرار گرفت و اجناس ارسالی آن‌ها نیز به نفع خودی‌هایشان مصادره شد.

## اوضاع بحرانی ایران و خاورمیانه

منطقه خاورمیانه در صد سال گذشته بحران‌های ژئوپلیتیکی متعددی را پشت سر گذاشته است. این بحران‌ها در بسیاری از موارد با مداخلات مستقیم قدرت‌های بزرگ جهانی به منظور حفظ منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژیکی‌شان در منطقه انجام گرفته و یا به طور غیر مستقیم، از طریق قدرت‌های منطقه شروع شده و سپس به مداخلات قدرت‌های بزرگ منجر شده است. چالش‌های بزرگ منطقه خاورمیانه از جمله جنگ‌های افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و کشاکش‌های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و با ایالات متحده آمریکا را می‌توان بخشی از این بحران‌ها به شمار آورد که می‌توانند بنا بر اهمیت نفتِ خلیج فارس برای رشد اقتصاد جهانی به مداخله کشورهای بزرگ دنیا منجر شوند.

دونالد ترامپ همان‌طور که در کارزار انتخاباتی‌اش وعده داده بود، تحت شعار "آمریکا اول" و به قصد احیای "عظمت آمریکا" اقدامات جدی‌ای را به‌مورد اجرا گذاشت. یکی از این اقدام‌های اخیر او، ارسال نیروی نظامی و دریائی بیشتر در منطقه خلیج فارس برای حفظ کنترل کامل بر منابع نفت و گاز در خاورمیانه است. گرچه در گذشته هم آمریکا به منظور دفاع از منافع جناح‌های سرمایه‌نظامی - صنعتی و کارتل‌های نفتی، سیاست‌های خود را برای حفظ توازن نظامی در منطقه و دفاع از امنیت منطقه خاورمیانه و با تشدید تنش و سلطه‌گری و افزایش فروش تسلیحاتی بین کشورهای منطقه را به پیش‌برده و عملاً جنگ‌های خانمانسوزی را همراه با قربانیان فراوان و انبوه بی‌شماری از آوارگان، به ساکنین این منطقه تحمیل کرده است. در این میان دیگر قدرت‌های بزرگ جهانی نیز، چون روسیه با حمایت سیاسی و نظامی از دیکتاتوری‌ها در منطقه، از جمله دیکتاتوری بشار اسد در سوریه و حمایت سیاسی نظامی از جمهوری اسلامی در ایران، به تداوم این بحران‌ها دامن می‌زنند. اتحادیه اروپا و چین نیز از قافله مداخله برای حفظ منافع و نفوذ خود در منطقه خاورمیانه عقب‌نمانده

اند و آشکار و پنهان به دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا دست می‌زنند. اما ترامپ استراتژی خود را با منشی سلطه‌گرانه و برتری طلبانه دنبال می‌کند. اعلام خروج یکجانبه آمریکا از "برجام" و اعمال شدیدترین تحریم‌های مالی، بانکی، اقتصادی، تجاری، نفتی و ... تشدید جنگ اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران نمونه‌های شاخصی از این سیاست است. آمریکا می‌کوشد با استفاده از موقعیت برتر مالی، اقتصادی و نظامی خود نسبت به دیگر کشورهای جهان و سیاست‌های جلب حمایت متحدینش در منطقه و جهان، نفوذ و توسعه طلبی نظامی - ایدئولوژیکی اسلامی - شیعی رژیم تمامیت‌خواه و حاکم بر ایران را مهار سازد.

### سیاست‌های تنش‌زا و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی

در ادامه سیاست‌های تنش‌آمیز، مداخله‌گرانه و برتری طلبانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در کنار کمک‌های مالی و نظامی به نیروهای شیعه مدافع خود در کشورهای دور و نزدیک و جنجال تبلیغاتی روزانه، جمهوری اسلامی ایران مبنی بر صدور انقلاب و جهان‌نگیر شدن اسلام از طریق تبدیل شدن به قدرتمندترین کشور منطقه که برای برخی از دولت‌ها عامل بی‌ثباتی و تهدید امنیتی ارزیابی می‌شود، سبب نزدیکی‌ها و تشکیل ائتلاف‌های بی‌سابقه نظامی و سیاسی بین حکومت‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای قدرتمند بین‌المللی، متشکل از آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و دیگر کشورهای همکاری خلیج فارس برای مقابله با نفوذ نظامی سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی در کشورهای عراق، سوریه، جنوب لبنان، نوار غزه، یمن و افغانستان شده است. این ائتلاف‌ها می‌توانند به مداخله و حمله نظامی به ایران منتهی شوند.

### خطر جنگ و حمله نظامی به ایران

افزایش حجم خرید تسلیحاتی کشورهای عربی در راستای تحقق سیاست‌های دفاعی خود و متحدینشان در منطقه به قصد حفظ منافع خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران، معاملات تسلیحاتی کلان کشورهای نفت‌خیز عربی یکی از موثرترین اقدامات در جهت سرریز شدن درآمدهای نفتی این کشورها به بازار فروش کشورهای تولیدکننده سلاح و تجهیزات جنگی بوده است که نقش مهمی در ایجاد توازن ارزی در بازار و ثبات

اقتصادی این کشورها داشته و سودهای کلانی را برای دلان آن در این کشورها به ارمغان می آورد. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تحقق برنامه های توسعه طلبانه ایدئولوژیک شیعه گری و نظامی اش مبنی بر کسب جایگاه برتر در منطقه، تاکنون هزینه های هنگفتی را به مردم ایران به قیمت از بین بردن رفاه عمومی، رشد و تشدید فقر در وسیعترین اقشار و طبقات اجتماعی مردم تحمیل کرده است و پیامدهای سرکوبگرانه ای برای جنبش های اعتراضی و اجتماعی مردم در ایران داشته است.

در چنین وضعیتی، با همسویی و همگرایی هر چه بیشتر جناح های هیئت حاکمه (اصول گرایان، اعتدالیون و اصلاح طلبان) در ادامه سیاست های تنش زا و بحران ساز جمهوری اسلامی، با توجه به تغییر و تحولات منطقه ای و تشدید مداوم تخاصمات و تحریم های بین المللی (خروج آمریکا از برجام، تشکیل کنفرانس بین المللی ورشو و اخیرا با قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه های تروریستی و توقف معافیت خریداران نفت ایران از طرف آمریکا...) هر زمان میتواند تاثیر تهدیدها را از حد یک جنگ روانی و پرخاشگری تبلیغاتی فراتر برده و عملا به درگیری های نظامی بکشانند. در چنین شرایطی با وخیم تر شدن اوضاع و تلاشی شیرازه زندگی میلیون ها تن از ساکنین منطقه، نه تنها امنیت خاورمیانه بلکه صلح جهانی به طور جدی در خطر خواهد افتاد.

### رشد اعتراضات، مقاومتها و مبارزات مردمی

بدتر شدن وخامت اوضاع اقتصادی، معیشتی، گرانی های کمر شکن و تشدید سرکوب و خفقان بیش از پیش و بی سابقه به رشد سلسله اعتراضات گسترده سراسری و تظاهرات خیابانی و اعتصاب های کارخانه ای کشیده است. به گزارش سازمان عفو بین الملل در بهمن ماه ۱۳۹۷، رژیم در سال پیش نیز همچون 40 سال گذشته با بیشتر امنیتی کردن فضای سیاسی و فشار بی حد به حوزه عمومی، اقدام به سرکوب گسترده تر اعتراض های کارگران، زنان، معلمان و فرهنگیان، دانشگاهیان و دانشجویان، بازنشستگان، کنشگران ملیتی، کشاورزان، فعالان محیط زیستی، رانندگان و کامیون داران، پیروان مذاهب غیر شیعی، فعالین حقوق بشری و وکلای مدافع این حقوق، کنش گران مدنی، مالباختگان، نویسندگان و تشکل های سیاسی منتقد به طور سیستماتیک کرده است. جنبش کارگری در همین سال با برپایی اعتصاب های طولانی مدت و

همزمان و نیز اعتصاب های سراسری مرحله نوینی از همبستگی مبارزاتی را نشان داد. از این رو تحت شدیدترین ضربات نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت. با این حال وضعیت نابسامان اجتماعی ناشی از بحران های چندگانه ساختاری و تشدید فشارهای اقتصادی به رشد اعتراضات کمک کرده و زمینه های مناسبی را در بستر مبارزات جاری برای دگرگونی های بنیادین نظام به وجود آورده است. البته تغییرات بنیادین مشروط بر این که از یک سوی، جنبش های اجتماعی از همسوئی لازم برای رسیدن به دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی برخوردار باشند و از سوی دیگر، نیروهای اپوزیسیون مترقی، به ویژه جمهوری خواهان دموکرات از صفوفی متشکل و مبتنی بر برنامه روشن برای این تغییر و تحولات در پهنه سیاسی کشور، حضوری برجسته ای پیدا کنند.

در سال گذشته در هم آمیزی بحران های چندگانه رژیم در سطح سیاست های داخلی و خارجی به خصوص پس از شورش سراسری دی ماه 1396 و ادامه سلسله اعتراضات و اعتصاب های اقشار و طبقات زحمتکش و ستم دیده، از آن زمان تا کنون علیه نابسامانی های موجود ناتوانی های حکومت در رفع بحران ها بیش از هر زمان به نمایش گذاشت و روند فروپاشی نظام را نمایان تر کرد. در اثر این شرایط پهنه سیاسی کشور بار دیگر شاهد جنب و جوش های تازه در صفوف مخالفان رژیم شد که به دنبال آن نزدیکی ها و دوری های جریانات سیاسی جدیدی را به بارآورد.

## اوضاع اپوزیسیون

بخشی از نیروهای مخالف رژیم جمهوری اسلامی با تکیه به حمایت های مالی، امنیتی، سیاسی، اطلاعاتی قدرت های جهانی از جمله آمریکا، چشم به راه مداخلات سیاسی، اقتصادی و نظامی ائتلاف ارتجاع جهانی و منطقه به رهبری آمریکا نشسته اند و نجات از استبداد دین سالار جمهوری اسلامی را در بازگشت به استبداد مخلوع، شاه سالاری، به مردم وعده می دهند و به امید "تعویض رژیم" توسط کاخ سفید روز شماری می کنند و بخشی به وساطت بنیادگران مذهبی ارتجاعی - افراطی مانند بولتون و پمپئو و جولیان، رویای کسب قدرت پس از سقوط رژیم توسط ترامپ و همکارانش را در سر می پرورانند. بخشی دیگر با تکیه بر ارزیابی شتاب زده خود می پندارد که رژیم در آستانه فروریزی بسیار نزدیک است و بزودی روز موعود فرا می رسد و تنها کار مهم و لازم نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی تنها تدارک "مدیریت و رهبری"

دوران پسا براندازی است.

## لزوم همکاری جمهوریخواهان دموکرات

ما و بسیاری از مخالفین جمهوری اسلامی بر این باوریم که نظام حاکم با تاکید و تکیه بر توانمندی جنبش های اجتماعی آزادی خواه، دموکراتیک و عدالت جوی مردم ایران و به پشتوانه نیروها و نهادهای مردمی و مترقی و بشر دوست جهانی، امر رهایی از ستم های طبقاتی، ملیتی، جنسیتی و... را در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر می دانند. این بخش از اپوزیسیون به رغم داشتن نفوذ معینی در میان گروه ها و اقشار پیشرو جامعه و برخورداری از توان های فکری و عملی، هنوز با پراکندگی شدید رو به رو است و فاقد همسوئی و هماهنگی های لازم برای تأثیرگذاری بر روند جنبش های اجتماعی در ایران است. برای رفع این کمبود و همچنین به منظور تحقق همگرایی به عنوان نیاز مبرم جنبش، جمهوری خواهان دموکرات و لائیک و جریان های سیاسی این طیف گسترده، می باید بیش از پیش، گام های جدی در راه همکاری های ضروری میان خود بردارند.

ما بر این باوریم که از یک سوی با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و تشخیص تفاوت ها و نزدیکی ها به منظور ایجاد تفاهم و از سوی دیگر با سازماندهی به فعالیت های مشترک بر پایه اصول و ارزش های جمهوری خواهانه و دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر، می توان بستری برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران بوجود آورد. در شرایط کنونی تنها در روند یک چنین مبارزه مشترکی است که می توان جایگاه برجسته ای در پشتیبانی از جنبش های اجتماعی در ایران برای دست یابی به آزادی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی پیدا کرد.

با دامن زدن به گفتگوها بر سر مسائل گرهی جاری و آتی جامعه و تشخیص تفاوت ها و نزدیکی ها به منظور ایجاد تفاهم از یک سو و از سوی دیگر با سازماندهی به فعالیت های مشترک بر پایه اصول و ارزش های جمهوری خواهانه و دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر می توان بستری برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی، مبارزات و اعتراضات به حق و مترقی مردمان ایران بوجود آورد. در شرایط کنونی تنها در روند یک چنین مبارزه ی مشترکی است که میتوان جایگاه برجسته ای در

پشتیبانی از جنبش‌های اجتماعی در ایران برای دست‌یابی به آزادی، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی پیدا کرد.

شوربختانه پهنه سیاسی کشور در سال‌های اخیر شاهد روی‌آوری شخصیت‌ها، نیروها، احزاب سیاسی و حتی بخش‌هایی از توده‌های ناراضی مردم به "حمایت‌های" قدرت‌های جهانی است که بی‌تردید می‌توان آن را یکی از پیامدهای ضعف و ناتوانی نیروهای جمهوری خواه دموکرات در مبارزات جاری مردم ایران و فقدان حمایت و پشتیبانی سازمان‌ها احزاب و جریان‌های مترقی جهانی دانست. تا زمانی که در درون و برون مرزهای کشور هنوز بدیل اجتماعی قابل‌قبولی برای پسا‌جمهوری اسلامی بوجود نیامده و نیروهای جمهوری خواه دموکرات هنوز زبان‌گویای ناراضی‌ها و اعتراض‌های به‌حق مردمی نشده‌اند، مشکل می‌توان تصور کرد که نیروها، احزاب و تشکل‌های دموکراتیک و آزادی‌خواه جهانی به‌عنوان پشتیبانان بین‌المللی و حمایت‌کنندگان مبارزات مردمی پا به میدان بگذارند. در چنین کمبودی، جذابیت و تاثیرگذاری دستگاه‌های تبلیغاتی قدرت‌های خارجی دوچندان است.

### وظیفه جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

جمهوری خواهان دموکرات و لائیک (هواداران جدایی دولت و دین) به‌عنوان بخش قاطع و رادیکال مخالف رژیم جمهوری اسلامی با نگاهی واقع‌بینانه و بدون از‌ارزیابی‌های شتابزده و جنجالی رسانه‌ها، باید با سازماندهی مبارزه‌ای فراگیر، مشترک و همسو، گام‌های جدی در راه ایجاد اپوزیسیونی توانمند و مورد اعتماد و اعتبار بردارند تا بتوانند از مبارزات و جنبش‌های اجتماعی در ایران به‌صورت شایسته و درخوری پشتیبانی کنند. بویژه در دورانی که نظام در حل بحران‌های ناشی از 40 سال سیاست‌های نادرست و مخرب ناکارآمد و سرکوبگر خود، روز به روز ناتوان‌تر شده است. به‌طور کلی در نبود یک اپوزیسیون آزادی‌خواه استقلال‌طلب و جمهوری خواه در ایران، هر زمان این خطر وجود دارد که اعتراضات و حتی شورش‌های مردمی گسترده به ابزاری در خدمت منافع نیروهای ارتجاعی داخلی یا خارجی یا ائتلافی از این دو، قرار گیرند و تلاش‌های مردم برای دست‌یافتن به دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی، برابر حقوقی و استقلال، بار دیگر برای ده‌ها سال به تعویق افتد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران بر خود می‌داند که به

موازات استقبال از فراخوان های متعدد نیروهای جمهوری خواه و دموکرات به منظور سازماندهی همکاری های مشترک، تلاش های تاکنونی خود را در راستای شکل گیری همکاری های منسجم نیروهای این طیف و برای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران ادامه دهد. این همکاری ها چه در شکل موردی و چه در نوع پایدار آن می توانند راهکارهای موثری در راستای پشتیبانی از جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان ایران باشند. بدون تشکیل جبهه گسترده نهادها، جریان ها و احزاب جمهوری خواه، دموکرات و طرفدار جدایی دین از دولت و بدون پیوند تنگاتنگ آنها، تحقق جمهوریت، دموکراسی و جدائی دولت و دین در ساختاری تمرکززدا (در اشکال: خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...) در ایران میسر نخواهد شد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران به رغم پافشاری بر این اصل خدشه ناپذیر که بار تعیین سرنوشت سیاسی جامعه بر دوش مردمان ایران است، بر این امر آگاه است که براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و برابر حقوقی، همچنین در گرو پشتیبانی وسیع افراد، نیروها، نهادها و احزاب آزادی خواه، دموکراسی طلب و بشر دوست جهانی است.

پوینده باد جنبش های اجتماعی و اعتراضی دموکراتیک مردمان  
ایران!

زنده باد همبستگی بین المللی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

بر قرار باد جمهوری، دموکراسی، جدائی دولت و دین!

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

8 ژوئیه 2019 - 17 تیر 1398

تذکر: این بیانیه سیاسی در گردهمایی سراسری نهم جنبش

جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران ( 11-12مه 2019 – 21-22 اردیبهشت 1398)، در کلیات خود مورد تأیید گردهمایی قرار گرفت. در تاریخ 8 ژوئیه 2019 – 17 تیر 1398، در نشست رسمی همراهان جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، به تصویب برای انتشار عمومی رسید.

# گردهمایی در مقابل سفارت ایران در پاریس برای آزادی نسرين ستوده



عفو بین الملل روز پنجشنبه 13 ژوئن 2019، بمناسبت سالگرد زندانی شدن نسرين ستوده، در 32 پایتخت در کشورهای مختلف جهان از جمله در پاریس، کارزارها و تظاهراتی گوناگون برگزار کرد.

در همین راستا، سازمان عفو بین الملل- فرانسه فراخوانی به گردهمایی در مقابل سفارت ایران در پاریس برای روز 13 ژوئن، ساعت 18 صادر کرد که در زیر مشاهده می کنید.

ویدئو از فرهمند رکنی

# بالا گرفتن تنش، افزایش خطر جنگ

فرصتی برای سرکوب مبارزات مردم ما علیه نظام جنایت کار و فاسد جمهوری اسلامی ایران!

هفته گذشته، دولت ایالات متحده آمریکا در تداوم و تشدید تحریم ها و به دنبال تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران و با هدف فشار حداکثر به رژیم جمهوری اسلامی، صنایع آهن، فولاد، آلومینیم و مس را نیز به لیست تحریم ها اضافه کرد. همچنین در روزهای اخیر، ناو هواپیما بر "آبراهام لینکلن" و بمب افکن های "ب - 52"



عازم خلیج فارس شدند. جمهوری اسلامی نیز از یک سو ارتباطات خود با گروه های شبه نظامی تحت حمایتش در منطقه را فعالتر کرده و گفتمان تهدید آمیزش بر علیه آمریکا را شدت بخشیده و هشدار داده است که در صورت لزوم به منافع این کشور در سرتاسر دنیا و بخصوص در منطقه، ضربه های جدی وارد خواهد کرد. این تحریکات، خطر درگیری نظامی و بروز جنگ خانمانسوز در ایران و منطقه را افزایش داده است.

همزمان با اقدامات عملی تنش افزا، از یک طرف، سران و مسئولین نظامی و سیاسی دو کشور بر طبل جنگ و تحریکات متقابل می کوبند و زمینه ای فراهم می کنند که می تواند خواسته و یا ناخواسته در اثر جرقه ای، جنگ شعله ور شده، هزاران انسان بیگناه و کل منطقه را به کام مرگ و نیستی بکشاند و از طرف دیگر همدیگر را دعوت به مذاکره می کنند.

در روزهای اخیر همچنین شاهد قدرت نمایی و شاخ و شانه کشیدن های برخی از مقامات سپاه و بسیج و تحریکات متقابل برخی دیگر از طرفداران تشدید تحریم و طرفدار جنگ افروزی توسط شخصیت های نظامی ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل نیز بوده ایم. انتصاب دریادار علی فدوی به عنوان جانشین فرمانده کل سپاه با توجه به سابقه او (بازداشت ۱۰ ملوان آمریکایی در سال ۱۳۹۵) و محمد رضا نقدی به عنوان هماهنگ کننده سپاه پاسداران (با سابقه

امنیتی و اطلاعاتی و رابطه خوبی که با فرماندهان حشد الشعبی دارد)، از جانب خامنه ای را می توان نمونه دیگری از این قدرت نمایی ها تعبیر کرد. هر چند یکی از اصلی ترین دلایل این گزینش ها، می تواند هراس از شورش و اعتراضات مردمی و به نوعی اعلام آمادگی و تدارک برای سرکوب گسترده خیزش همگانی مردم باشد.

با توجه به تحریکات متقابل سران سیاسی نظامی دو کشور و نظرسنجی های گوناگون که نشان می دهند اکثریت مردم آمریکا موافق وارد شدن به یک جنگ دیگر و پرداخت هزینه های مالی و انسانی آن نیستند، بنظر میرسد که در وهله اول، ترامپ قصد دارد رژیم جمهوری اسلامی ایران را در موضعی کاملا ضعیف به پای میز مذاکره بکشاند و از آن به عنوان یک موفقیت در عرصه دیپلماسی خارجی استفاده انتخاباتی کند. رژیم ایران نیز علیرغم رجز خوانی ها، در پی راه و چاره ایست که با حفظ "آبروی نداشته" و با لاپوشانی موقعیت بحرانی و ضعیفش، شرایط آمریکا را اندکی تعدیل نموده و با این کشور وارد مذاکره شود.

هر چند با این ارزیابی، در حال حاضر نمی توان "قریب الوقوع بودن" جنگ و درگیری نظامی را نتیجه گیری نمود اما باید در نظر داشت که در شرایط فعلی، منطقه خاورمیانه و بویژه حوزه خلیج فارس شبیه به بشکه ای از باروت است که هر اتفاق کوچکی می تواند باعث انفجار آن شده و منجر به درگیری نظامی بین ایران و آمریکا و همچنین برخی از کشورهای منطقه (عربستان سعودی، امارات متحده، قطر، اسرائیل و...) شود. ضمنا باید توجه داشت که آمریکا گزینه "جنگ محدود" به عبارتی بمباران نقاط استراتژیک ایران، را برای به زانو در آوردن و تسلیم کردن رژیم (نه الزاما سرنگونی آن)، در نظر داشته و منتفی نمی داند. البته در این صورت، مهار "جنگ محدود" و جلوگیری از گسترش و دامنه درگیریهای نظامی در منطقه بسیار دشوار به نظر می رسد.

در این فضای پرتنش، وضعیت ناهنجار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و مبارزات حق طلبانه مردم، اخبار و افکار عمومی در داخل و خارج، در سایه احتمال بروز درگیری نظامی و جنگ قرار گرفته اند. فاجعه سیل مرگبار و عواقب آن عملا به حاشیه رانده شده اند. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بهره گیری از این اوضاع نه تنها به دستگیری و زندانی کردن فعالین سیاسی مدنی همچنان ادامه می دهد بلکه جنبش های اعتراضی مردم در خطر سرکوب بیشتر قرار گرفته اند.

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"، صف آرای نظامی و وضعیت

جنگی را بـ سود مردم ایران و منطقـ نمی‌داند و فکر میکند جنبش‌های در حال اعتلای مردمی، بر اثر تشدید فشارهای پلیسی ناشی از جنگ، در تنگنای گسترده تری قرار گرفته و وادار بـ عقب نشینی می‌شوند. ما همچنین ادامه و تشدید تحریم‌هایی که بار و فشار آن قبل از هرچیز بر دوش افشار وسیعی از مردم سنگینی کند و نیز به ویژه درگیری نظامی و جنگ را قاطعانه محکوم کرده و ضمن رد و افشای اقدامات سطله جویانه و مداخله گرانه خارجی، به ویژه آمریکا، با صدای بلند اعلام می‌کنیم که مسئولیت اصلی این اوضاع فرسایشی، بحرانی، پرتنش و خطرناک، در درجه اول متوجه رژیم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران می‌باشد.

مداخله گری این رژیم در امور داخلی کشورهای همسایه، تشکیل، استفاده و پشتیبانی از گروه‌های نظامی و شبه نظامی به عنوان ابزار سرکوب و ترور در داخل و عملیات تروریستی در خارج از مرزهای ایران، از عوامل اصلی ایجاد این شرایط بحرانی و خطرناک برای مردمان ایران و منطقه هستند. ما ضمن اعلام مخالفت با هرگونه دخالت خارجی در امور مربوط به حق تعیین سرنوشت مردم ایران، عمیقاً بر این باوریم که تنها راه برون رفت از بحران و تنش و سایر مصیبت‌هایی که مردم و جامعه ما طی ۴۰ سال متحمل آن شده‌اند، حرکت در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران با اتکا به نیروی توده‌ها می‌باشد.

نه به تنش، نه به جنگ

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

**“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” \***

2 خرداد 1398 - 23 مه 2019

\*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان

